

برای تهیه این کتاب و یادگیر کتب مورد نیاز خود
می توانید با شماره تلفن های ذیل تماس حاصل نمایید.
تا از طریق پست به خدمتان ارسال گردد.

۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۲۷۴

۰۹۱۲ ۶۵۲ ۵۰۷۰

www.hpbook.ir
[@nashrehoghoghepoya](https://www.instagram.com/nashrehoghoghepoya)
[@hoghoghepoyapub](https://www.instagram.com/hoghoghepoyapub)

فهرست مطالب

پیش گفتار چاپ دوم	۱۱
مقدمه	۱۳

بخش اول: آیین دادرسی دادگاه‌های کیفری دو

فصل اول: صلاحیت دادگاه کیفری دو	۲۰
گفتار اول: صلاحیت ذاتی	۲۱
گفتار دوم: صلاحیت محلی	۲۳
گفتار سوم: صلاحیت شخصی	۲۹
الف) صلاحیت محاکم تهران	۲۹
ب) صلاحیت محاکم مراکز استانها	۳۱
گفتار چهارم: صلاحیت‌های اضافی	۳۲
الف) رسیدگی به اتهام شرکاء و معاونان جرم	۳۳
ب) جرائم لازم و ملزوم	۳۳
ج) صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به جرم مهم‌تر	۳۴
ه) صلاحیت واقعی	۳۵
و) صلاحیت آخرین دادگاه در مورد تجمیع آراء (تعدد جرم)	۳۵
ز) صلاحیت دادگاه صادر کننده رأی قطعی در موارد تکرار جرم	۳۶
گفتار پنجم: حل اختلاف در صلاحیت	۳۷
فصل دوم: جریان دادرسی در دادگاه کیفری دو	۴۵
گفتار اول: طرق ورود پرونده به دادگاه	۴۵
گفتار دوم: مقدمات رسیدگی	۴۷
گفتار سوم: جلسه رسیدگی	۶۱
الف) رسیدگی فوری (با ادعای شفاهی دادستان)	۶۱
ب) دادرسی عادی	۶۴
گفتار چهارم: مقررات خاص رسیدگی در دادگاه بخش	۷۳
جدول نحوه اداره جلسات دادگاه کیفری دو	۷۶
گفتار پنجم: ارزیابی دلایل	۷۸

الف) اقرار	۷۸
ب) شهادت	۸۳
نحوه احضار و تحقیق از شهود و مطلعان	۹۴
ج) قسم (سوگند):	۹۶
د) قسامه	۱۰۱
ه) علم قاضی	۱۱۵
فصل دوم: رسیدگی دادگاه به قرارهای مورد اختلاف یا اعتراض	۱۱۷
گفتار اول: قرارهای مورد اعتراض یا اختلاف دادسرا	۱۱۷
الف - اعتراض به قرار تعلیق تعقیب:	۱۱۷
ج - اعتراض به قرار عدم دسترسی متهم به پرونده:	۱۱۸
د) اعتراض به قرار توقف تحقیقات:	۱۱۸
ه - اعتراض به قرار متوقف نمودن فعالیت‌های تولیدی و خدماتی:	۱۱۹
و - اعتراض به قرار تأمین منتهی به بازداشت:	۱۲۰
ز - اعتراض به تصمیم استرداد، معدوم یا ضبط اموال مکشوفه:	۱۲۱
ح - اعتراض به دستور ضبط وجه التزام، وجه الکفاله و یا وجه الوثاقه:	۱۲۱
ط - حل اختلاف بین بازپرس و دادستان:	۱۲۲
ی - حل اختلاف بازپرس و دادستان در مورد ادامه بازداشت متهم:	۱۲۲
ک - حل اختلاف بازپرس و دادستان در مورد تخفیف یا تشدید تأمین:	۱۲۴
ل - اعتراض به قرارهای نهایی دادسرا:	۱۲۵
م - حل اختلاف بین دادستان و بازپرس در مورد صلاحیت	۱۲۷
ن - اعتراض به قرارهای تأمین صادره برای اشخاص حقوقی	۱۲۸
س - رسیدگی به تقاضای تجدیدنظرخواهی از آراء شورای حل اختلاف	۱۲۸
گفتار دوم: شیوه رسیدگی دادگاه کیفری به قرارهای دادسرا	۱۲۹
فصل سوم: نحوه صدور رأی در دادگاه‌های کیفری	۱۳۵
گفتار اول: مقدمات صدور دادنامه	۱۳۵
الف) اعلام ختم دادرسی	۱۳۵
ب) مهلت‌های قانونی برای صدور دادنامه	۱۳۶
گفتار دوم: مندرجات رأی دادگاه و دادنامه	۱۳۷
الف) مندرجات رأی دادگاه	۱۳۷
ب) مندرجات دادنامه	۱۳۸
فصل سوم: اقدامات و تصمیمات دادگاه پس از صدور دادنامه	۱۴۱

گفتار دوم: آراء و تصمیمات دادگاه	۱۴۵
الف) تخفیف مجازات	۱۴۵
ب) صدور قرار رد درخواست تجدید نظر خواهی	۱۴۶
ج) صدور دادنامه اصلاحی	۱۴۶
د) قرار تعلیق اجرای مجازات	۱۴۷
ه) آزادی مشروط	۱۴۷
و) اعسار از پرداخت محکومیت های مالی :	۱۴۷
ز) تعدیل اقساط	۱۴۹
ح) و اخواهی	۱۴۹
ط) تجمیع دادنامه های صادره	۱۵۰
ی) رفع ابهام و اجمال از دادنامه	۱۵۱
ک) تجدید نظر در مجازات بعد از رضایت شاکی	۱۵۱
ل) لغو قرار تعلیق اجرای مجازات	۱۵۱
م) تبدیل یا تخفیف مجازات های جایگزین حبس	۱۵۲
ن) نظام نیمه آزادی	۱۵۲
س) تجدید نظر در مجازات به علت اصلاح قانون	۱۵۳
ع) تبدیل حبس به مجازات دیگر در صورت بیماری مانع اجرا	۱۵۴
ز) اتخاذ تصمیم در مورد آرائی که لازم الاجرا نیستند	۱۵۵
جدول آراء فوق العاده دادگاه های کیفری یک و دو	۱۵۷

بخش دوم: آیین دادرسی دادگاه های کیفری یک

فصل اول: صلاحیت دادگاه کیفری یک	۱۶۱
گفتار اول: صلاحیت ذاتی	۱۶۲
گفتار دوم: صلاحیت اضافی	۱۶۵
الف) رسیدگی به اتهام شرکاء و معاونان جرم	۱۶۵
ب) جرائم لازم و ملزوم:	۱۶۶
ج) صلاحیت دادگاه کیفری یک در صورت تعدد جرایم:	۱۶۶
د) تثبیت صلاحیت دادگاه کیفری یک پس از شروع به رسیدگی	۱۶۶
ه) صلاحیت واقعی محاکم ایران:	۱۶۷
و) صلاحیت آخرین دادگاه در مورد تجمیع آراء:	۱۶۷
گفتار سوم: رد دادرس	۱۶۷
۲-۴ - قرار امتناع از دادرسی	۱۶۹

۱۷۰	۳-۴- قرار رد ایراد
۱۷۱	۴-۴- ایراد رد نسبت به قضات شعب با تعدد قاضی
۱۷۱	فصل دوم: جریان دادرسی در دادگاه کیفری يك
۱۷۲	گفتار اول: مقدمات رسیدگی دادگاه‌های کیفری يك
۱۷۴	الف) لزوم تعیین وکیل
۱۷۸	ب) اخطار اعلام ایراد و اعتراض
۱۸۰	ج) تهیه گزارش پرونده
۱۸۰	د) تشکیل جلسه مقدماتی اداری
۱۸۳	ه) اقدامات دفتر دادگاه پس از جلسه مقدماتی
۱۸۹	جدول مقدمات رسیدگی دادگاه کیفری يك
۱۹۳	گفتار دوم: تشکیل جلسه دادرسی در دادگاه کیفری يك
۱۹۳	الف: رسیدگی حضوری
۲۰۰	جدول نحوه اداره جلسات دادگاه کیفری يك
۲۰۲	ب: رسیدگی غیابی
۲۰۶	جدول نحوه رسیدگی غیابی
۲۱۰	فصل دوم: نحوه صدور رأی

بخش سوم: آیین دادرسی دادگاه تجدیدنظر استان

۲۱۵	فصل اول: وظایف دادگاه بدوی در قبال تقاضای تجدیدنظرخواهی
۲۱۵	گفتار اول: ابلاغ صحیح دادنامه
۲۱۶	گفتار دوم: اخذ هزینه دادرسی
۲۱۷	گفتار سوم: ثبت تقاضای تجدیدنظرخواهی
۲۱۷	گفتار چهارم: رفع نواقص تقاضاهای واصله و صدور قرار پذیرش یا رد تقاضا
۲۲۰	فصل دوم: آراء قابل تجدیدنظرخواهی و مرجع رسیدگی
۲۲۷	فصل سوم: جهات تجدیدنظرخواهی
۲۲۹	فصل چهارم: مقدمات رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان
۲۳۳	جدول مقدمات رسیدگی دادگاه تجدیدنظر
۲۳۶	فصل پنجم: شیوه دادرسی دادگاه تجدیدنظر استان
۲۳۹	جدول نحوه رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر
۲۴۲	فصل ششم: نحوه صدور حکم در دادگاه تجدیدنظر استان

بخش چهارم: مقررات خاص رسیدگی در سایر مراجع کیفری

فصل اول: مقررات خاص محاکم نظامی	۲۵۳
گفتار اول: حدود صلاحیت محاکم نظامی	۲۵۵
الف) صلاحیت ذاتی محاکم نظامی:	۲۵۵
ب) صلاحیت محلی:	۲۵۶
ج) صلاحیت های اضافی:	۲۵۸
د) حل اختلاف در صلاحیت محاکم نظامی	۲۶۳
فصل دوم: تشکیلات محاکم نظامی	۲۶۴
گفتار سوم: جریان دادرسی در محاکم نظامی	۲۶۷
گفتار چهارم: جریان دادرسی در محاکم نظامی زمان جنگ	۲۷۶
فصل دوم: مقررات خاص رسیدگی در دادگاه اطفال	۲۸۲
فصل سوم: مقررات خاص رسیدگی در دادگاه های انقلاب	۲۹۵
فصل چهارم: مقررات خاص رسیدگی شعب سازمان تعزیرات حکومتی ..	۲۹۷

بخش پنجم: نحوه رسیدگی به دادخواست های حقوقی

جدول هزینه های دادرسی براساس قانون بودجه سال ۱۳۹۷	۳۲۶
منابع	۳۲۷

پیش‌گفتار چاپ دوم

﴿سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ﴾ (۵۸-یس)

فلسفه تصویب و اجرای قوانین آزمایشی (موضوع اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی ج.ا.ا.)، مشخص شدن نقاط ضعف و قوت مصوبه و زمینه سازی برای وضع یک قانون دائمی مُتقن و کم نقص است. فلسفه ای که مقنن ما کمتر به آن پایبند بوده و به محض اتمام مهلت اجرای آزمایشی قانون، با یک مصوبه چند کلمه ای، آن را دائمی اعلام می نماید!

نمونه بارز این رویه غلط مقنن، قانون دائمی شدن قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۷/۳/۹ است. با اجرای آزمایشی قانون آیین دادرسی کیفری، بسیاری از نقاط ضعف، تشریفات زائد، ابهامات و خلأهای آن مشخص شد و مراجع قضایی با سلیلی از سؤالات و چالش ها مواجه شدند لکن حتی نمی از این سیل به مجلس نرسید!

بی شک قانون آیین دادرسی کیفری هر کشور، ویتترین قوانین کیفری و تضمین کننده حقوق اساسی و آزادی های ملت در قبال حاکمیت است و می طلبد که برای حفظ اتقان و ثبات قانون، قوه مقننه با استفاده از تجارب قضات و حقوقدانان خبره، نسبت به چکش کاری اصول و متون پیشنهادی و نهایتاً تصویب یک قانون جامع و مانع مبادرت ورزد. لذا محول نمودن تصویب قانونی با این اهمیت به کمیسیون قضایی و سپس تصویب آنی دائمی شدن قانون آزمایشی بدون ورود به ماهیت موضوع، حکایت از اشتغال مقنن به اموری جز قانون گذاری دارد!

در هر حال خداوند متعال را بر این توفیق شاکریم که فرصت دوباره ای دست داد تا ضمن تجدید چاپ کتاب حاضر، برخی اشتباهات و نقاط ضعف چاپ قبلی

را برطرف نموده و مطالب موجود را به روزرسانی نماییم. کماکان از همه صاحب نظران محترم استدعا داریم که با ارائه نقدها و پیشنهادهای سازنده، در غنی سازی محتوای این تألیف مشارکت فرمایند.

ایمیل: sanatiseyyed@yahoo.com

مقدمه

با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و الحاقات آن راجع به آیین دادرسی نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیک (مصوب ۱۳۹۳) و همچنین اصلاحات آن در سال ۱۳۹۴، که از ابتدای تیرماه سال ۱۳۹۴ اجرایی گردید، تحولی در زمینه تحقیقات مقدماتی و دادرسی دادگاه‌های کیفری به وجود آمد که برخی از این تحولات به شرح ذیل است:

- ۱- توسعه حقوق متهمان، گواهان، بزه دیدگان و خانواده آنان
- ۲- توسعه قرارهای تأمین کیفری و وضع قرارهای نظارت قضایی
- ۳- تفکیک دادگاه‌های کیفری به: کیفری یک - کیفری دو - انقلاب - اطفال و نوجوانان - نظامی یک - نظامی دو - نظامی زمان جنگ - تجدیدنظر نظامی
- ۴- الزام به رسیدگی مستقیم برخی از جرایم در دادگاه (جرایم منافی عفت - درجات ۷ و ۸ - جرایم اطفال)
- ۵- وضع تشریفات رسیدگی خاص برای رسیدگی در دادگاه کیفری یک (الزام به تعیین وکیل برای جرایم مهم - اخطار اعلام ایراد و اعتراض به طرفین پرونده - تهیه گزارش از پرونده و سپس تشکیل جلسه مقدماتی اداری، ارسال تصویر کیفرخواست برای متهمان، ...)
- ۶- یکسان نمودن مقررات رسیدگی دادرسی‌ها و دادگاه‌های نظامی با تشکیلات مشابه در دادگستری
- ۷- اعتبار بخشی به دادرسی الکترونیک از جمله احضار و ابلاغ اوراق قضایی به صورت تلفنی، نمابر، پیامک، ...

گرچه بیش از سه سال از زمان آغاز اجرای قانون اخیر الذکر می‌گذرد، اما علاوه بر وجود ابهام و اجمال در برخی مواد آن، هنوز هم برخی از نوآوری‌های این قانون اجرایی نشده است که از آن جمله است: عدم تشکیل واحد مددکاری اجتماعی

(ماده ۴۸۶ قانون) و عدم امکان تشکیل پرونده شخصیت برای متهمان (ماده ۲۰۳ قانون)، عدم تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان (ماده ۳۱ قانون).

در هر حال، با وجود همه کاستی‌های نظری و اجرایی، به نظر می‌رسد که اجرای درست این قانون می‌تواند به تضمین رعایت حقوق شهروندی در تحقیقات مقدماتی و دادرسی کیفری کمک نماید که اینک اشکالات موجود نیز با اصلاحات و اقدامات بعدی قابل رفع می‌باشد.

یکی از رویکردهای مثبت این قانون، متحدالشکل نمودن شیوه دادرسی در کلیه دادگاه‌های کیفری است اعم از دادگاه‌های کیفری یک و دو، دادگاه‌های انقلاب، دادگاه اطفال و دادگاه‌های نظامی. مضاف بر اینکه برابرماده ۵۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، رسیدگی در سازمان تعزیرات حکومتی نیز برابر مقررات قانون آیین دادرسی کیفری به عمل می‌آید مگر در مواردی که مقررات خاصی در خود قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز برای دادرسی پیش بینی شده باشد. لازم به ذکر است که برابرماده ۱۸ قانون شوراهای حل اختلاف (مصوب ۱۳۹۴) رسیدگی قاضی شورای حل اختلاف نیز در پرونده‌های کیفری در صلاحیت این شورا، از حیث اصول و قواعد، تابع قانون آیین دادرسی کیفری است. تبصره یک همین ماده منظور از اصول و قواعد حاکم بر دادرسی را شامل مقررات ناظر بر صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی و مانند آن اعلام نموده است.

بنابراینچه گفته شد در این تحقیق هر کجا که در مورد شیوه دادرسی در دادگاه کیفری ۲ بحث شده، همین مباحث در خصوص دادگاه اطفال، دادگاه انقلاب، دادگاه نظامی دو و شعب سازمان تعزیرات حکومتی نیز کاربرد دارد مگر در مورد مقررات اختصاصی آنها که در فصل مجزایی مورد بحث قرار گرفته اند. همچنین هر جا در مورد شیوه دادرسی دادگاه کیفری یک بحث شده همین مقررات در مورد دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال، دادگاه‌های انقلاب در مورد رسیدگی به

جرائم با تعدد قاضی و دادگاه نظامی يك نیز همین مباحث کاربرد دارند مگر در مورد مقررات اختصاصی مراجع اختصاصی اخیر. در نهایت هر کجا در خصوص رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان بحث شده همین مباحث در خصوص دادگاه تجدیدنظر نظامی و شعبه ویژه تجدیدنظر تعزیرات حکومتی نیز کاربرد دارد.

لازم به ذکر است که گرچه دیوان عالی کشور نیز در خصوص پرونده‌های کیفری برابر قانون آیین دادرسی کیفری رسیدگی می‌نماید لکن از آنجا که شعب دیوان عالی کشور عنوان دادگاه را ندارند و عالی‌ترین مرجع قضایی کشور هستند، لذا از موضوع بحث ما خارج هستند.

مطالب این تحقیق در پنج بخش دسته‌بندی شده است: بخش اول نحوه رسیدگی و صدور رأی در دادگاه کیفری دو؛ بخش دوم: نحوه رسیدگی و صدور رأی در دادگاه کیفری يك، بخش سوم: نحوه رسیدگی و صدور رأی در دادگاه تجدیدنظر؛ بخش چهارم: مقررات خاص دادرسی سایر مراجع قضایی (دادگاه‌های اطفال، نظامی و انقلاب) و شبه قضایی (شعب سازمان تعزیرات حکومتی)، بخش پنجم: نحوه رسیدگی به دادخواست‌های حقوقی ضمن دعاوی کیفری.

این تألیف، بازنویسی تجربیات عملی مؤلفان است که نه به شیوه تئوری و دانشگاهی، بلکه به شیوه‌ای کاملاً کاربردی به بررسی موضوع پرداخته و حاوی بالغ بر ۳۰۰ نکته کاربردی و ۵۰ پرسش و پاسخ کاربردی مرتبط می‌باشد. امیدواریم همکاران و صاحب نظران گرامی ما را از نظرات اصلاحی و انتقادات سازنده محروم نفرمایند.

ایمیل: sanatisseyed@yahoo.com

سمت‌های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند.»

نکته ۱۱: به نظر می‌رسد که با توجه به تصریح مقنن در ماده اخیر به قبل و حین تصدی مشاغل موضوع مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ قانون، اگر بعد از خاتمه تصدی این مشاغل، جرمی از این مقامات کشف شود که مربوط به دوران تصدی ایشان بوده، رسیدگی به موضوع تابع مقررات عام صلاحیت می‌باشد و از شمول مقررات مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ خارج است.

گفتار چهارم: صلاحیت‌های اضافی

منظور از صلاحیت اضافی، توسعه صلاحیت به معنای دادن صلاحیت اضافه به مرجع قضایی است... به عبارت دیگر صلاحیت اضافی صلاحیتی است که يك دادگاه افزون بر صلاحیت اصلی نسبت به جرم ارتكابی در حوزه قضایی محل خدمت خود، نسبت به جرم دیگری که ممکن است در صلاحیت حوزه قضایی دیگری واقع شده باشد اعمال می‌کند.^۱

صلاحیت‌های اضافی در قوانین آیین دادرسی کیفری پیشین نیز مورد پذیرش قرار گرفته بودند که فلسفه آنها تسهیل در رسیدگی و جلوگیری از صدور آراء متهافت برای موضوعات مشابه بود. با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ این صلاحیت‌ها اهمیت بیشتری یافته چرا که در ماده ۱۳۴ قانون اخیر، در موارد تعدد مادی جرائم، مقنن اصل را بر اجرای صرفاً مجازات اشد قرار داده است و با این وجود، ضرورت دارد که در حد امکان دادگاه واحد به اتهامات متعدد متهم رسیدگی نماید و با رعایت مقررات تعدد حکم صادر نماید. صلاحیت‌های اضافی محاکم کیفری دو به شرح آتی است:

۱ - مصدق، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳، صص ۱۱۳ و ۱۱۴.

الف) رسیدگی به اتهام شرکاء و معاونان جرم

ماده ۳۱۱ ق.آ.د.ک: «شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مگر اینکه در قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

تبصره - هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاه‌های کیفری تهران و یا مراکز استان رسیدگی می‌شود و چنانچه افراد مذکور در مواد ۳۰۷ و ۳۰۸ این قانون در ارتکاب یک جرم مشارکت یا معاونت نمایند به اتهام افراد مذکور در ماده ۳۰۸ نیز حسب مورد در دادگاه کیفری تهران رسیدگی می‌شود.»

نکته ۱۲: با توجه به ارتباط کامل بین جرائم ارتكابی شرکاء و معاونان جرم، مقنن رسیدگی به اتهام آنان را در صلاحیت يك مرجع قرار داده تا در شرایط مساوی، آراء متهافتی (مثلاً از حیث محکومیت یا براءت و یا جبران خسارت ناشی از جرم) صادر نگردد. در حقیقت دادگاه رسیدگی کننده به جرم متهم اصلی، صلاحیت اضافه‌ای برای رسیدگی به جرم شرکاء و معاونان جرم دارد. استثناء قانونی در خصوص این ماده، رسیدگی به جرائم اطفال موضوع ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک. است.

ابهامی که در مورد ماده ۳۱۱ وجود دارد این است که «متهم اصلی» چه کسی است؟ آیا منظور از متهم اصلی آمر یا مباشر معنوی است؟ آیا منظور رئیس باند تبهکاری است؟ آیا منظور متهمی است که بیشترین نقش را در تحقق جرم داشته است؟ صد البته وجود هریک از مؤلفه‌های فوق متهم اصلی را متمایز از سایرین می‌کند.

ب) جرائم لازم و ملزوم:

تبصره ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک: «در جرائمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر

است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. در این صورت اصول حاکم بررسی‌دگی به جرائم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است.»

نکته ۱۳: بهتر بود که مفاد تبصره اخیر به صورت ماده قانونی مستقلی در خصوص صلاحیت همه دادگاه‌ها بیان می‌شد چرا که رسیدگی به جرائمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است باید در يك مرجع رسیدگی شود و الا منجر به صدور آراء متهاافت در خصوص يك جرم می‌گردد. مثلاً راشی و مرتشی بایستی در يك دادگاه محاکمه شوند تا یا هر دو محکوم شوند و یا هر دو تبرئه شوند. اگر به اتهام این دو در دو دادگاه رسیدگی شود و یکی از آن دو به عللی غیر شخصی تبرئه شود و دیگری در دادگاه دیگری محکوم شود، محکومیت فرد دوم فاقد وجاهت قانونی است. رأی وحدت رویه شماره ۵۴۹ مورخ ۶۹/۱۲/۲۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در همین خصوص می‌باشد: «جرمی که تحقق آن منوط به فعل دو نفر باشد جرم واحد است و چنانچه رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد، رسیدگی به اتهام متهم دیگر هم بالملازمه ... در صلاحیت دادگاه مزبور خواهد بود.» شایان ذکر است که با توجه به اینکه تا رأی وحدت رویه و یا قانونی خلاف مفاد رأی اخیر به تصویب نرسیده است، رأی وحدت رویه فوق دارای اعتبار قانونی می‌باشد.

ج) صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به جرم مهم‌تر:

ماده ۳۱۳ ق.آ.د.ك: «به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمان و یکجا در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به جرم مهم‌تر را دارد.»

نکته ۱۴: به نظر می‌رسد که منظور از جرم مهم‌تر جرمی است که مجازات آن

شدیدتر و یا بیشتر باشد. در صورتی که مجازات‌ها مختلف باشد با استفاده از ملاک تبصره ۳ ماده ۱۹ ق.م.ا. و مفاد رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۹/۸/۹۴ جرمی که مجازات قانونی آن حبس باشد شدیدتر و لذا مهم‌تر تلقی می‌گردد. همچنین مجازات شلاق تعزیری مهم‌تر از جزای نقدی محسوب می‌شود. در مورد درجه اهمیت سایر مجازات‌ها باید به درجه بندی مقرر در ماده ۱۹ ق.م.ا. مراجعه نمود.

ه) صلاحیت واقعی:

ماده ۳۱۶ ق.آ.د.ک: «به اتهامات اشخاصی که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم می‌شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند، چنانچه از اتباع ایران باشند، حسب مورد در دادگاه محل دستگیری و چنانچه از اتباع بیگانه باشند حسب مورد، در دادگاه تهران رسیدگی می‌شود.»

نکته ۱۵: منظور از جرائمی که در خارج از قلمرو حاکمیت ج.ا.ا. اتفاق می‌افتند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را دارند، همان جرائم مذکور در مواد ۵ الی ۹ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶۶۴ ق.آ.د.ک. است که موضوع صلاحیت‌های واقعی، شخصی و یا جهانی محاکم ایران است.

و) صلاحیت آخرین دادگاه در مورد تجمیع آراء (تعدد جرم):

ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک: «هرگاه پس از صدور حکم معلوم شود محکوم علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری است و اعمال مقررات تعدد، در میزان مجازات قابل اجراء مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری به شرح زیر اقدام می‌کند: الف - اگر احکام به طور قطعی صادر یا به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی قطعی شده باشند، در صورت تساوی دادگاه‌ها پرونده‌ها را به دادگاه صادرکننده آخرین حکم و در غیر این صورت به دادگاه دارای صلاحیت بالاتر ارسال می‌کند، تا پس از نقض تمام احکام، با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود....»

تبصره - در موارد فوق، دادگاه در وقت فوق‌العاده بدون حضور طرفین به موضوع، رسیدگی و بدون ورود در شرایط و ماهیت محکومیت با رعایت مقررات تعدد جرم، حکم واحد صادر می‌کند.»

نکته ۱۶: ماده اخیر در راستای اجرای ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ به تصویب رسیده است. در تعدد جرایم تعزیری اگر همه جرایم در یک پرونده مطرح باشند که دادگاه برابر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اقدام می‌نماید و صرفاً مجازات اشد اجرا می‌شود. اما اگر احکام متعدد از یک یا چند دادگاه به اجرای احکام واصل شود، قاضی اجرای احکام مکلف به رعایت مقررات ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک. است به این معنا که مثلاً اگر همه آراء از دادگاه‌های کیفری دو صادر شده‌اند پرونده را نزد آخرین دادگاه کیفری دو (دادگاهی که دادنامه مؤخر را صادر نموده) ارسال می‌نماید تا دادگاه بدون نیاز به تعیین وقت دادرسی و بدون ورود به ماهیت محکومیت‌ها، با نقض تمامی احکام صادره، براساس مقررات تعدد جرم، دادنامه واحدی صادر نماید.

ز) صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی قطعی در موارد تکرار جرم

ماده ۵۱۱ ق.آ.د.ک: «هرگاه هنگام اجرای حکم معلوم شود محکوم علیه محکومیت‌های قطعی دیگری داشته است که در اعمال مقررات تکرار جرم مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری، پرونده را نزد دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌کند. در این صورت، چنانچه دادگاه، محکومیت‌های سابق را محرز دانست، مطابق مقررات اقدام می‌نماید.»

تبصره - هرگاه حکم در دیوان عالی کشور تأیید شده باشد، پرونده به آن مرجع ارسال می‌شود تا چنانچه محکومیت‌های سابق را محرز دانست، حکم را نقض و پرونده را جهت صدور حکم به دادگاه صادرکننده آن ارسال کند.»

پرسش کاربردی ۴: با توجه به سیاق نگارش مواد ۵۱۰ و ۵۱۱ ق.آ.د.ک. چه

تفاوتی بین تعدد و تکرار جرم در این دو ماده وجود دارد؟

پاسخ: بدو باید گفت که سبک نگارش این دو ماده بسیار شبیه هم بوده و در عمل موجب بروز اختلاف نظر و رویه گردیده است. یکی از اساتید در این خصوص مرقوم نموده است: «تفاوت این ماده با ماده قبل در این است که اینجا متهم به اتهام جرمی محکوم گردیده که آن را بعد از محکومیت قطعی به دلیل ارتکاب جرم دیگری مرتکب شده و دادگاه صادر کننده حکم دوم، از وجود حکم اول مطلع نبوده است.»^۱

آنچه که به نظر می‌رسد در تفکیک این دو ماده راهگشا می‌باشد اجرا یا عدم اجرای کامل محکومیت است. به عبارت دیگر اگر اجرای احکام با دادنامه‌هایی مواجه است که هنوز اجرا نشده اند یا برخی از آنها در حال اجرا هستند، در این صورت باید برابر ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک. عمل نماید اما اگر حداقل یکی از دادنامه‌ها قبلاً اجرا شده و دادنامه قطعی جدیدی به اجرای احکام واصل شده که در این دادنامه توجهی به سابقه کیفری سابق محکوم علیه نشده است، در این صورت باید برابر ماده ۵۱۱ ق.آ.د.ک. عمل نماید. آنچه این نظر را تقویت می‌نماید قید «محکوم علیه محکومیت‌های قطعی دیگری داشته است» در ماده ۵۱۱ ق.آ.د.ک. می‌باشد که دلالت بر محکومیت‌های قطعی سابق محکوم علیه دارد. البته این نظر بدون ایراد نبوده و با مفاد ماده ۱۳۷ ق.م.ا. که قطعیت رأی را ملاک برای تکرار جرم تلقی نموده هم خوانی ندارد و صرفاً از نظر کاربردی می‌تواند راهگشا باشد. بهتر این بود که مقنن در یک ماده بحث تعدد و تکرار در مرحله اجرای حکم را مطرح می‌نمود و فقط طریق رسیدگی مجدد به این قبیل مسائل را مطرح می‌نمود تا از اختلاف برداشت‌ها جلوگیری به عمل می‌آمد.

۱ - خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، تهران، ۱۳۹۳، ص ۴۰۳.

گفتار پنجم: حل اختلاف در صلاحیت

ماده ۳۱۷ ق.آ.د.ک: «حل اختلاف در صلاحیت در امور کیفری، مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است و حل اختلاف بین دادرها مطابق قواعد حل اختلاف دادگاه‌هایی است که دادر در معیت آن قرار دارد.»

گاه ممکن است که پس از صدور قرار عدم صلاحیت از سوی دادگاهی به صلاحیت دادگاه دیگر، دادگاه بعدی نیز خود را صالح نداند که به محض صدور قرار عدم صلاحیت از سوی دادگاه اخیر، اختلاف در صلاحیت محقق می‌شود (اختلاف صلاحیت منفی). همچنین ممکن است که در مورد رسیدگی به پرونده این دو دادگاه اختلاف صلاحیت ایجاد شود به این نحو که هر کدام خود را صالح بدانند (اختلاف صلاحیت مثبت). در هر دو صورت فوق پرونده بایستی به مرجع حل اختلاف ارسال و بر مبنای تصمیم این مرجع عمل نمایند.

نکته ۱۷: بر اساس مواد ۲۷ و ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین مربوط، مراجع صالح برای حل اختلاف در صلاحیت مراجع قضایی و شبه قضایی را می‌توان به ترتیب ذیل تقسیم بندی کرد:

۱. بر اساس ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۳۱۷ ق.آ.د.ک.، حل اختلاف بین دادرهای عمومی و انقلاب مستقر در يك استان، بر عهده دادگاه تجدید نظر استان است.

۲. برابر مواد قانونی اخیر الذکر و همچنین مستند به رأی وحدت رویه شماره ۷۵۲ مورخ ۹۵/۶/۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، حل اختلاف بین دادگاه‌های کیفری يك و دو و انقلاب با یکدیگر که مستقر در يك استان باشند، بر عهده دادگاه تجدید نظر استان است.

۳. حل اختلاف بین دادگاه‌ها و دادرهای عمومی و انقلاب و نظامی مستقر در دو یا چند استان، برابر ماده ۲۸ ق.آ.د.م. بر عهده شعب دیوان عالی کشور

است.

۴. در مواردی که مراجع قضایی کیفری رسیدگی به پرونده‌ای را در صلاحیت مراجع غیرقضایی (به جز شوراهای حل اختلاف و شعب سازمان تعزیرات حکومتی) بدانند (و یا بالعکس مراجع غیرقضایی قرار عدم صلاحیت به شایستگی محاکم کیفری صادر نمایند) و قرار عدم صلاحیت صادر نمایند، پرونده برای تعیین صلاحیت بدو به دیوان عالی کشور ارسال می‌گردد.

۵. در مواردی که مراجع قضایی کیفری رسیدگی به پرونده‌ای را در صلاحیت شوراهای حل اختلاف و یا شعب سازمان تعزیرات حکومتی بدانند، پرونده را با قرار عدم صلاحیت مستقیماً به مراجع اخیر ارسال می‌نمایند و این مراجع مکلف به پذیرش صلاحیت هستند (مستند به ماده ۱۵ قانون شوراهای حل اختلاف و تبصره اصلاحی ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز).

۶. در مواردی که بین مراجع قضایی کیفری و دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت اختلاف در صلاحیت حاصل شود نظردادگاه ویژه روحانیت لازم‌الاتباع است (مستند به تبصره یک ماده ۱۳ آیین نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت).

۷. چنانچه بین دادگاه‌های نظامی دو و نظامی یک مستقردر یک حوزه قضایی اختلاف در صلاحیت حادث شود، نظردادگاه نظامی یک برای دادگاه نظامی دو متبع است (ماده ۶۰۰ ق.آ.د.ک).

۸. در صورت حدوث اختلاف صلاحیت بین دادگاه نظامی زمان جنگ با دادگاه نظامی عادی، نظردادگاه نظامی زمان جنگ متبع است.

۹. در صورتی که بین دادگاه تجدیدنظر استانی با دادگاه تجدیدنظر یا سایر دادگاه‌ها و دادسراهای استانهای دیگر اختلاف در صلاحیت حادث شود، با توجه به اینکه این دادگاه‌ها در یک استان قرار ندارند و دادگاه تجدیدنظر

يك استان رابطه طولی با دادرها و دادگاه‌های سایر استانها ندارد لذا مطابق ماده ۲۸ ق.آ.د.م، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دیوانعالی کشور می‌باشد.

۱۰. برابر رأی وحدت رویه شماره ۶۶۷ مورخ ۸۳/۴/۲۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مرجع حل اختلاف در صلاحیت ذاتی بین دادرهای عمومی با دادرهای نظامی، یا اختلاف بین دادرهای نظامی با دادگاه‌های کیفری و بالعکس، همچنین حل اختلاف بین دادگاه‌های کیفری با دادگاه‌های نظامی، شعب دیوان عالی کشور است.

لازم به توضیح است که حل اختلاف بین شوراهای حل اختلاف با یکدیگر و با مراجع غیر دادگستری قواعد خاصی دارد که در مواد ۱۳ و ۱۴ قانون شوراهای حل اختلاف آمده است لکن از موضوع بحث ما خارج است.

نکته ۱۸: اختلاف در صلاحیت زمانی به وجود می‌آید که مراجع قضایی اختلاف کننده در یک سطح باشند و یا اختلاف در صلاحیت ذاتی باشد مثلاً هر دو دادگاه کیفری دو باشند و یا اولی دادگاه کیفری دو و دومی دادرای نظامی باشد. لکن اگر دادرای عمومی و انقلاب شهرستان الف قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادرای عمومی و انقلاب شهرستان ب صادر نماید و دادرای اخیر اقدام به صدور کیفرخواست نماید ولی دادگاه کیفری این شهرستان اعتقاد بر عدم صلاحیت خود داشته و قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه کیفری شهرستان الف صادر نماید، در این مرحله اختلاف در صلاحیت ایجاد نمی‌شود.

پرسش کاربردی ۵: در مواردی که دادگاه نظر بر صدور قرار عدم صلاحیت دارد آیا ضرورتی به اعلام ختم دادرسی هست یا خیر؟

پاسخ: گرچه برخی به عادت قبل از صدور هرگونه رأیی ختم دادرسی را اعلام می‌نمایند لکن از آنجا که عدم صلاحیت، یک تصمیم شکلی بوده که دادگاه قبل از ورود به ماهیت پرونده اتخاذ می‌نماید، ختم رسیدگی یا دادرسی بی‌مفهوم است

جدول نحوه اداره جلسات دادگاه کیفری دو

سرفصل	توضیحات	استنادات
الف) مقدمات	- رسیدگی فقط در حدود کیفرخواست است مگر جرائمی که به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود. - بررسی ابلاغ یا عدم ابلاغ احضاریه‌ها به طرفین و وکلا - بررسی حاضران و غائبان، لوایح واصله راجع به عدم حضور - احراز هویت حاضران - ثبت مشخصات و آدرس متهمین برابر ماده ۱۹۳ ق.آ.د.ک و ثبت مشخصات حاضران در صورت مجلس	م. ۳۸۲ م. ۳۴۶ و ۳۴۸ م. ۱۹۳
ب) تذکرات	- اعلام رسمیت و علنی بودن دادگاه (در مواد علنی) - به شاکی و متهم تفهیم می‌شود محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌کند محل قانونی اقامت اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد باید مراتب را به دادگاه اعلام کند در غیر این صورت کلیه اوراق قضایی به آدرس قبلی ارسال می‌گردد. - اخطار به متهم که در موقع محاکمه مواظب گفتار خود باشد - اخطار به دیگر حاضران در مورد اینکه مطلبی بر خلاف حقیقت، وجدان، قوانین، ادب و نزاکت اظهار نکنند. - تذکر رعایت نظم	م. ۳۹۶ م. ۱۹۴ م. ۱۹۶ م. ۳۹۶ م. ۳۹۴

سرفصل	توضیحات	استنادات
ج) جریان رسیدگی	- تنظیم صورتمجلس توسط دادگاه - قرائت کیفرخواست منشی دادگاه - استماع اظهارات و دلایل دادستان یا نماینده وی - تحقیق از شاکی و وکیل وی - تفهیم موضوع اتهام و ادله آن به متهم - بررسی ادله موجود در پرونده و استماع شهادت شهود - اخذ آخرین دفاع از متهم و استماع اظهارات وکیل وی	۳۶۱.م ۳۹۶.م
د) ملاحظات	- در صورت حضور همه طرفین پرونده و شروع به رسیدگی، امکان تجدید جلسه وجود ندارد و باید رسیدگی در همان جلسه خاتمه یابد. - در پرونده‌ای که دارای متهم اصلی، شریک و معاون است و همه حاضرند، تحقیقات از متهم اصلی شروع می‌شود. - دادگاه مقید به اتهامات مندرج در کیفرخواست است اما مقید به ادله آن نیست و می‌تواند هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد با قید جهت ضرورت انجام دهد.	۳۶۹.م ۳۶۴.م ۳۶۲.م

در ادامه خلاصه‌ای از نحوه احضار و تحقیق از شهود در دادگاه، به صورت دسته بندی شده می‌آید:

نحوه احضار و تحقیق از شهود و مطلعان

سرفصل	توضیحات	استنادات
الف) احضار شهود	۱- شاهد یا مطلع به تشخیص دادگاه یا تقاضای طرفین یا اعلام مقامات ذی ربط احضار می‌شود.	مواد ۴۰ و ۲۳ ق.آ.د.ك.
	۲- اگر بدون عذر موجه حاضر نگردد جلب می‌شود (در صورتی که کشف حقیقت و احقاق حق متوقف به شهادت شاهد باشد یا جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد).	ماده ۲۳ ق.آ.د.ك.
	۳- در احضاریه شاهد علاوه بر مشخصات شاهد و آدرس وی، باید موضوع شهادت و نتیجه عدم حضور قید شود.	//
	۴- در برگ جلب شاهد باید قید شود که بلافاصله بعد از جلب به دادگاه اعزام شود لذا باید در وقت اداری شاهد جلب گردد و نمی‌توان وی را تحت نظر قرار داد و بلافاصله بعد از تحقیق آزاد می‌شود.	////
	۵- اگر شاهد برای مدت طولانی بیمار باشد یا تعداد شهود زیاد و در يك یا چند محل باشند، یکی از قضات دادگاه نزد شهود حاضر می‌شود و تحقیق می‌کند.	مواد ۶۱۲ و ۱۲۳

سرفصل	توضیحات	استنادات
(ب) نحوه تحقیق از شهود	۶- پس از احراز هویت، بدواً حرمت و مجازات شهادت دروغ را به شاهد تفهیم می‌کند.	۳۹۶.م
	۷- سپس نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، شماره شناسنامه، کد ملی، میزان تحصیلات، مذهب، محل اقامت، شماره تلفن ثابت و همراه اخذ شود.	۱۹۴.م
	۸- سپس سابقه کیفری شاهد، درجه قرابت سببی یا نسبی، وجود یا عدم وجود رابطه خادم و مخدومی شاهد با طرفین را سؤال می‌کند.	۱۹۶.م
	۹- رابطه خادم و مخدومی و قرابت مانع از پذیرش شاهد نیست.	۳۹۶.م
	۱۰- سوگند شاهد پیش از ادای شهادت «به خداوند متعال سوگند یاد میکنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام واقعیت را بیان کنم»	
	۱۱- اگر شاهد از ادای سوگند امتناع کند، و احقاق حق متوقف به شهادت شاهد باشد، شهادت وی استماع می‌شود.	
	۲۱- وقت جلسه‌ای که برای استماع شهادت شهود تعیین می‌شود باید به اطلاع دادستان و طرفین برسد	۳۹۴.م
	۳۱- دادگاه پرسش‌های لازم برای روشن شدن موضوع و دفع اختلاف را از شهود مطرح می‌کند.	
	۴۱- پس از اخذ اظهارات شهود یکی از طرفین به طرف دیگر اعلام می‌شود که چنانچه سؤالی از شهود دارد مطرح کند.	
	۵۱- دادگاه می‌تواند در مواردی که بیم خطر جانی برای شاهد است، به صورت انفرادی از شهود تحقیق کند و مانع از ارتباط شهود با هم یا با متهم شود.	
	۶۱- قطع کلام شهود ممنوع است. طرفین و دادستان با اجازه دادگاه سؤالات خود را مطرح می‌کنند.	
	۷۱- دادگاه آن دسته از ویژگی و جسمی و روانی شاهد که برای ارزیابی شهادت مؤثر است در صورت جلسه قید می‌کند.	

۸۱- شهادت باید از روی قطع و یقین و مستند به امور حسی و از طریق متعارف باشد.

۹۱- شاهد قابل جرح و تعدیل است و قاضی دادگاه مکلف است حق جرح و تعدیل شهود را به طرفین اعلام کند.

۱۰۲- در مواردی که شهادت شاهد و یا شهادت بر شهادت مستند رأی دادگاه باشد، استماع آن توسط قاضی صادر کننده رأی الزامی است.

۱۲- در صورت تعدد شهود، هرگاه اختلاف مفاد شهادتها موجب تعارض شود شهادت شرعی نیست.

جدول آراء فوق العاده دادگاه‌های کیفری یک و دو پس از صدور دادنامه

بدوی

سرفصل	توضیحات	استنادات
آراء فوق العاده دادگاه کیفری يك و دو پس از صدور دادنامه بدوی	۱- اسقاط حق تجدیدنظرخواهی و درخواست تخفیف مجازات	۴۴۲.م ۴۰۶
	۲- درخواست واخواهی از حکم غیابی	۵۳۰.م
	۳- تقاضای تقسیط جزای نقدی (قبل از قطعیت حکم)	
	۴- تقاضای تقسیط جزای نقدی (بعد از قطعیت حکم)	۵۲۹.م
	۵- تعدد محکومیت‌های مجزای قابل اجراء (تجميع حکم)	۵۱۰.م
	۶- تقاضای تبدیل مجازات در صورت بیماری محکوم علیه	۵۰۲.م
	۷- تقاضای رفع ابهام یا اجمال از دادنامه	۴۹۷.م
	۸- قاضی اجرای احکام دادنامه را از لحاظ قانونی لازم الاجراء نداند	۴۹۱.م
	۹- تقاضای تجدیدنظر در مجازات قطعی با اعلام رضایت شاکی	۴۸۳.م ۴۸۰.م
	۱۰- رسیدگی مجدد دادگاه هم عرض پس از پذیرش اعاده دادرسی	۴۶۹.م ۴۳۲.م
	۱۱- رسیدگی مجدد در صورت صدور قرار رفع نقص از سوی دیوان عالی کشور	۳۸۱.م
	۱۲- قرار رد درخواست تجدیدنظرخواهی	
	۱۳- صدور دادنامه اصلاحی	
	۱۴- تقاضای تعلیق اجرای باقیمانده مجازات	
	۱۵- لغو تعلیق اجرای مجازات	
	۱۶- تقاضای آزادی مشروط	
	۱۷- تقاضای تبدیل مجازات‌های جایگزین حبس	
	۱۸- تقاضای تخفیف مجازات در مواردی که قانون لاحق به نفع متهم است	
	۱۹- تقاضای اعسار از پرداخت محکوم به (دیه، خسارت ...)	
	۲۰- تقاضای تعدیل اقساط	

ده روز پس از ابلاغ به دادگاه معرفی کند. چنانچه متهم وکیل خود را معرفی نکند، مدیر دفتر، پرونده را نزد رئیس دادگاه ارسال می‌کند تا طبق مقررات برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود.»

ماده ۳۸۵ ق.آ.د.ک: «هریک از طرفین می‌تواند حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی کند. استعفای وکیل تعیینی یا عزل وکیل پس از تشکیل جلسه رسیدگی پذیرفته نمی‌شود.»

پرسش کاربردی ۲۴: متهمی که دادگاه برای وی وکیل تسخیری انتخاب نموده اگر بعد از تشکیل جلسه دادرسی وکیل تعیینی معرفی نماید، آیا برابر تبصره ۲ ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک. وکالت تسخیری منتفی می‌شود یا خیر؟

پاسخ: به نظر می‌رسد که با معرفی وکیل تعیینی، وکالت تسخیری منتفی می‌شود و قسمت اخیر ماده ۳۸۵ ق.آ.د.ک. صرفاً ناظر به وکالت تعیینی است.

ماده ۳۸۶ ق.آ.د.ک: «در صورتیکه هریک از اصحاب دعوی وکلای متعدد داشته باشد، حضوری یکی از آنان برای تشکیل جلسه دادگاه کافی است.»

چند نکته کاربردی از مواد قانونی اخیر الذکر قابل استخراج است:

نکته ۱۴۵: در پرونده‌هایی که دارای متهمین متعدد با اتهامات متفاوت هستند، صرفاً برای متهمانی الزام به تعیین وکیل است که حداقل یک اتهام آنان مشمول ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک. باشد. پس برای متهمانی که اتهامات آنان مشمول ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک. نیست الزامی به تعیین وکیل نمی‌باشد.

نکته ۱۴۶: با توجه به اینکه مقنن در ماده ۳۸۴ به بند ث ماده ۳۰۲ تصریح ننموده، فلذا در جرائم سیاسی و مطبوعاتی الزامی به تعیین وکیل نمی‌باشد.

نکته ۱۴۷: در مورد متهمانی که الزامی به تعیین وکیل برای آنان نیست، در صورت تقاضای متهم تا پایان اولین جلسه رسیدگی و احراز عدم توانایی مالی متهم برای دادگاه، وکیل معاضدتی برای وی تعیین می‌گردد.

نکته ۱۴۸: علاوه بر متهم، برابر اصل سی و پنجم قانون اساسی، «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.» لذا امکان تعیین وکیل معاضدتی برای شاکی نیز وجود دارد.

نکته ۱۴۹: در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود (از قبیل جرائم منافی عفت)، دادگاه پس از انجام تحقیقات مقدماتی و قبل از شروع به رسیدگی، بایستی قرار رسیدگی صادر نماید. این قرار به منزله کیفرخواست است.

نکته ۱۵۰: نظریه مشورتی شماره ۱۵۴۲/ ۷/ ۹۵ - ۱۳۹۵/ ۷/ ۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه: «طبق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، اصل بر ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت است؛ مگر در موارد استثنایی مذکور در این ماده. یکی از این موارد، شکایت شاکی است که تعقیب و تحقیق در جرم منافی عفت مجاز است؛ در چنین فرضی، بقاء شکایت نیز شرط ادامه تعقیب و تحقیق است. عبارت «تحقیق فقط در محدوده شکایت..... انجام میشود»، مذکور در ماده ۱۰۲ قانون فوق‌الذکر مشعر بر همین معناست؛ زیرا در چنین مواردی، حیثیت فردی و خانوادگی شاکی باید مورد نظر باشد و با افشای موارد ناشکافته نباید موجب هتک حیثیت خانوادگی شاکی و مفسده عمومی باشد. بنابراین در فرض سؤال با گذشت شاکی، ادامه تعقیب و تحقیق برای احراز و اثبات جرم، جایز نیست و دادگاه باید با همان دلایل و قرائن موجود، رأی مقتضی را صادر نماید.»

نکته ۱۵۱: دادگاه کیفری يك برای رسیدگی در مورد اتهامات ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ك. بدون حضور وکیل رسمیت نمی‌یابد و تشکیل نمی‌شود (ماده ۳۴۷ ق.آ.د.ك.). البته اگر سایر متهمان حاضر در پرونده دارای وکیل باشند (و یا الزامی به معرفی وکیل نداشته باشند) به نظر می‌رسد که دادگاه باید جلسه دادرسی را در خصوص آنان برگزار نماید و در مورد متهمی که وکیلش حضور نیافته، تجدید وقت رسیدگی نموده

و برابر مقررات قانونی گزارش تخلف وکیل را به مرجع ذیصلاح اعلام نماید.

نکته ۱۵۲: در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ك اگر متهم وکیل معرفی ننموده باشد، مدیر دفتر دادگاه ظرف پنج روز به او اخطار می‌کند که وکیل خود را حداکثر تا ده روز پس از ابلاغ به دادگاه معرفی کند. چنانچه متهم وکیل خود را معرفی نکند، مدیر دفتر، پرونده را نزد رئیس دادگاه ارسال می‌کند تا طبق مقررات برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود.

نکته ۱۵۳: با توجه به وجود دو مرجع برای امر وکالت (کانون وکلای دادگستری - مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه) در تعیین وکیل تسخیری و معاضدت باید از وکلای هر دو مرجع استفاده نمود.

نکته ۱۵۴: برابر ماده ۳۸۵ ق.آ.د.ك. در پرونده‌های در صلاحیت دادگاه‌های کیفری يك هریک از طرفین می‌توانند حداکثر سه نفروکیل به دادگاه معرفی کنند. معرفی وکیل به موجب قرارداد وکالت (رسمی یا غیر رسمی) صورت می‌پذیرد.

نکته ۱۵۵: بدیهی است که مقصود از وکیل در قانون آیین دادرسی کیفری، حقوقدانی است که با شرایط قانونی موفق به دریافت پروانه وکالت از کانون وکلای مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلاء و کارشناسان قوه قضائیه شده باشد (مستنبط از ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی).

نکته ۱۵۶: گرچه اصولاً عقد وکالت جایز بوده و هر زمان از سوی وکیل یا موکل قابل عدول می‌باشد (مواد ۶۷۸ و ۶۷۹ قانون مدنی و مواد ۳۷ و ۳۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی) لکن در خصوص وکالت در دادگاه‌های کیفری يك موضوع متفاوت است: برابر قسمت اخیر ماده ۳۸۵ ق.آ.د.ك استعفای وکیل تعیینی یا عزل وکیل پس از تشکیل جلسه رسیدگی پذیرفته نمی‌شود. شاید توجیه مقنن برای این محدودیت، این باشد استعفا یا عزل وکیل موجبی برای اطاله دادرسی نگردد که نیاز به طی نمودن مجدد تشریفات ماده ۳۸۴ ق.آ.د.ك باشد.

به خصوص اینکه دادگاه باید در همان جلسه و یا حداکثر ظرف ۷ روز مبادرت به صدور رأی نماید (ماده ۴۰۴ ق.آ.د.ک.).

نکته ۱۵۷: برابر ماده ۳۸۶ ق.آ.د.ک «در صورتی که هریک از اصحاب دعوی وکلای متعدد داشته باشد، حضوریکی از آنان برای تشکیل جلسه دادگاه کافی است.»

نکته ۱۵۸: برابر تبصره ۲ ماده ۳۴۸ ق.آ.د.ک «هرگاه پس از تعیین وکیل تسخیری، متهم، وکیل تعیینی به دادگاه معرفی کند، وکالت تسخیری منتفی میشود.» ضمناً برابر تبصره ۳ همین ماده «تقاضای تغییر وکیل تسخیری از سوی متهم فقط برای یکبار قابل پذیرش است.»

پرسش کاربردی ۲۵: در پرونده‌ای متهم دو نفر وکیل برای دفاع از خود معرفی نموده است که در جلسه دادرسی يك از وکلا حضور یافته لکن وکیل دیگر حاضر نشده وقت دادرسی به وی ابلاغ نشده باشد یا نتیجه ابلاغ واصل نشده باشد؛ آیا امکان تشکیل جلسه دادرسی وجود دارد یا خیر؟

پاسخ: به نظرمی‌رسد با توجه به اطلاق ماده ۳۸۶ ق.آ.د.ک امکان تشکیل جلسه دادرسی وجود دارد مگر اینکه موکل وکلای خود را به صورت اجتماعاً به دادگاه معرفی نموده و به هیچ يك به طور منفرد حق دفاع نداده باشد که در این صورت امکان تشکیل جلسه دادرسی وجود ندارد (مستنبط از ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی).

ب) اخطار اعلام ایراد و اعتراض

ماده ۳۸۷ ق.آ.د.ک. «پس از تعیین وکیل، مدیر دفتر بلافاصله به متهم و وکیل او و حسب مورد، به شاکی یا مدعی خصوصی یا وکیل آنان اخطار میکند تا تمام ایرادها و اعتراض‌های خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تسلیم کنند. تجدید مهلت به تقاضای متهم یا وکیل او برای یک نوبت و به مدت ده روز از تاریخ اتمام مهلت

جدول مقدمات رسیدگی دادگاه کیفری یک

سرفصل	توضیحات	استنادات
الف) وکالت	۱. هریک از طرفین پرونده می‌توانند ۳ نفر وکیل معرفی نمایند.	م ۳۸۵ ق.آ.د.ک.
	۲. در جرایم موضوع بندهای الف - ب - پ - ت ماده ۳۰۲ تعیین وکیل الزامیست.	مواد ۳۴۸ و ۳۸۴
	۳. اگر جزء جرایم فوق باشد و متهم وکیل نداشته باشد، مدیردفتر ظرف ۵ روز به متهم اخطار می‌کند که ظرف ۱۰ روز وکیل خود را معرفی کند.	م ۳۸۴ ق.آ.د.ک.
	۴. اگر در مهلت فوق متهم وکیل معرفی نکند، با دستور ریاست دادگاه وکیل تسخیری تعیین می‌شود.	م ۳۴۸ ق.آ.د.ک.
	۵. برای معرفی وکیل تسخیری، با کانون وکلای مکاتبه می‌شود یا مرکز مشاوران حقوقی، وکلای کارشناسان قوه قضائیه (به نوبت).	تجربه
	۶. اگر اتهام متهمی جزء اتهامات ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک نباشد نیازی به تعیین وکیل نیست.	مفهوم مخالف ۳۸۴
	۷. هرگاه پس از تعیین وکیل تسخیری، متهم وکیل تعیینی معرفی کند، وکالت تسخیری منتفی می‌شود.	تبصره ۲ م ۳۴۸
	۸. در جرایم ماده ۳۰۲ جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی‌شود.	م ۳۴۸

سرفصل	توضیحات	استنادات
(ب) اخطار اعلام ایراد و اعتراض	۹. پس از تعیین وکیل مدیردفتر بلافاصله به متهم و وکیل وی و شاکی، مدعی خصوصی یا وکیل وی اخطار می‌کند که تمام ایرادها و اعتراض‌های خود را ظرف ۱۰ روز به دادگاه تسلیم نمایند.	م. ۳۸۷ ق. آ. د. ک.
	۱۰. برخلاف بند ۱۶ اخطار فوق باید به همه متهمان و شکات و وکلای آنان انجام شود.	ذیل م. ۳۸۷ ق. آ. د. ک.
	۱۱. مهلت ده روزه اعلام ایراد به تقاضای متهم یا وکیل وی برای ده روز دیگر قابل تمدید است.	
	۱۲. منظور از ایراد و اعتراض، بیشتر مسائل شکلی است مثل صلاحیت، رد دادرس، نقص تحقیقات و مرور زمان...	م. ۳۸۹ ق. آ. د. ک.
	۱۳. پس از گذشت مهلت فوق، هیچ ایرادی از طرفین پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه ایرادی بعداً کشف یا حادث شود.	
	۱۴. به نظر می‌رسد حتی اگر قضات دادگاه از بدو ارجاع پرونده متوجه ایراد شوند نیز باید مراحل فوق را انجام دهند و بعد در جلسه مقدماتی تصمیم بگیرند.	

سرفصل	توضیحات	استنادات
ج) تهیه گزارش جلسه مقدماتی اداری	۱۵. طرح پرونده در جلسه مقدماتی قبل از اتمام مهلت ایراد و اعتراض ممنوع است.	ذیل م. ۳۸۸ ق.آ.د.ك.
	۱۶. پس از اتمام مهلت فوق، رئیس دادگاه شخصاً پرونده را بررسی و گزارش جامع را تهیه و یا به مستشار ارجاع می‌دهد.	م. ۳۸۹ ق.آ.د.ك.
	۱۷. رئیس یا مستشار ظرف ۱۰ روز گزارش جامعی از پرونده شامل اتهام، ادله و جریان پرونده تهیه و تقدیم رئیس می‌کند.	م. ۳۸۹ ق.آ.د.ك.
	۱۸. به محض وصول گزارش فوق، جلسه مقدماتی اداری تشکیل و به شرح بندهای الف، ب، پ ماده ۳۸۹ اقدام کند.	
	۱۹. در صورت ناقص بودن تحقیقات، پرونده را نزد دادسرا ارسال تا نسبت به تکمیل تحقیقات و اعاده آن بدون اظهار نظر اقدام کند.	تبصره م. ۲۷۹ ق.آ.د.ك.
	۲۰. اگر در کیفرخواست اشتباه بینی صورت گرفته باشد مثلاً یکی از متهمین در کیفرخواست نیامده باشد، کیفرخواست اصلاحی صادر می‌کند.	م. ۳۹۱ ق.آ.د.ك.
	۲۱. اگر پرونده فاقد مشکل باشد، دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار صادر می‌شود.	

سرفصل	توضیحات	استنادات
د) ابلاغ	۲۲. فاصله بین ابلاغ احضاریه تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک هفته باشد.	م. ۳۴۳
	۲۳. هرگاه متهم عذر موجهی راجع به وقت جلسه داشته باشد، جلسه به وقت مناسبی موکول می‌شود.	م. ۳۴۳
	۲۴. احضاریه متهم مشتمل بر نام و نام خانوادگی احضار شونده، تاریخ و ساعت و محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می‌شود.	م. ۱۷۰ و ۶۵۵
	۲۵. استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی برای ابلاغ و احضار مجاز است.	تجربه
	۲۶. دفتر برای اطمینان از ابلاغ احضاریه‌ها، یک هفته قبل از جلسه، با طرفین تماس بگیرد	م. ۳۴۲
	۲۷. ابلاغ به دادستان یا نماینده وی برای حضور در تمام جلسات دادگاه	
	۲۸. در صورت احضار متهم، تصویر کیفرخواست برای وی ارسال می‌شود.	

برگزاری جلسه دادرسی نمی‌شود مگر اینکه دادگاه حضور او را الزامی بداند که در این صورت تجدید جلسه می‌شود.

- احراز هویت حاضران: گرچه مواد ۳۹۶ و ۱۹۳ و ۳۲۲ ق.آ.د.ك. صرفاً احراز هویت متهم را پیش‌بینی نموده است اما به‌تراست که هویت شکات و گواهان نیز احراز گردد تا اشخاص دیگری به جای آنان در جلسه شرکت نکنند و محتویات جلسه دادگاه خدشه دار نشود.

- ضبط صوتی جلسه دادرسی: برابر ماده ۴۰۰ ق.آ.د.ك. محاکمات دادگاه‌های اخیر ضبط صوتی می‌شود.

۲. تذکرات قانونی:

دادگاه قبل از شروع به رسیدگی تذکراتی را بایستی به حاضران تفهیم نماید و در صورت جلسه دادگاه قید نماید. به شرح ذیل این تذکرات احصاء می‌گردد:

- اعلام رسمی بودن جلسه دادرسی: ماده ۳۹۶ ق.آ.د.ك.

- اعلام تغییر آدرس: برابر مواد ۳۹۶ و ۱۹۴ ق.آ.د.ك. ریاست دادگاه پس از اخذ مشخصات و آدرس شاکی و متهم، به آنان اعلام می‌نماید که چنانچه آدرس خود را تغییر دهند بایستی آدرس جدید خود را به دادگاه اعلام نمایند والا اوراق قضایی به آدرس قبلی ارسال می‌شود.

- اخطار مواظبت بر گفتار: برابر ماده ۳۹۶ ق.آ.د.ك. رئیس دادگاه به متهم اخطار می‌کند که در موقع محاکمه مواظب گفتار خود باشد و به دیگر اشخاصی که در محاکمه شرکت دارند نیز اخطار می‌کند که برخلاف حقیقت، وجدان، قوانین، ادب و نزاکت مطلبی اظهار نکنند.

- تذکر رعایت نظم: برابر ماده ۳۵۴ ق.آ.د.ك. «اخلال در نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص، موجب غیرعلنی شدن محاکمه نمی‌شود، بلکه باید به گونه مقتضی نظم برقرار شود. رئیس دادگاه می‌تواند دستور اخراج کسانی را که باعث اخلال در

جدول نحوه اداره جلسات دادگاه کیفری يك

سرفصل	توضیحات	استنادات
الف) وکالت	- رسیدگی فقط در حدود کیفرخواست است مگر جرائمی که به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود. - بررسی ابلاغ یا عدم ابلاغ احضاریه‌ها به طرفین و وکلا - ضبط صوتی محاکمات (انعکاس آن در صورتجلسه) - بدون حضور وکیل متهم (در جرایم ماده ۳۰۲) جلسه دادگاه تشکیل نمی‌شود. - بررسی حاضران و غائبان، لوايح واصله راجع به عدم حضور - احراز هویت حاضران - ثبت مشخصات و آدرس متهمین برابر ماده ۱۹۳ ق.آ.د.ك و ثبت مشخصات حاضران در صورتجلسه	۳۸۲.م ۴۰۰.م ۳۴۶.م و ۳۴۸.م ۱۹۳.م
ب) اخطار اعلام ایراد و اعتراض	- اعلام رسمیت و علنی بودن دادگاه (در مواد علنی) - به شاکی و متهم تفهیم می‌شود محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌کند محل قانونی اقامت اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد باید مراتب را به دادگاه اعلام کند در غیر این صورت کلیه اوراق قضایی به آدرس قبلی ارسال می‌گردد. - اخطار به متهم که در موقع محاکمه مواظب گفتار خود باشید - اخطار به دیگر حاضران در مورد اینکه مطلبی برخلاف حقیقت، وجدان، قوانین، ادب و نزاکت اظهار نکنند. - تذکر رعایت نظم	۳۹۶.م ۱۹۴.م ۱۹۶.م ۳۹۶.م ۳۹۴.م

سرفصل	توضیحات	استنادات
ج) تهیه گزارش جلسه مقدماتی اداری	- تنظیم صورتمجلس توسط دادگاه - قرائت کیفرخواست توسط دادستان یا نماینده وی - قرائت دادخواست مدعی خصوصی توسط منشی دادگاه - تفهیم موضوع اتهام و ادله آن به متهم - تحقیق از شاکی و شهود و وکیل شاکی - بررسی ادله موجود در پرونده - اخذ آخرین دفاع از متهم و استماع اظهارات وکیل وی	۳۶۱.م ۳۹۶.م
د) ابلاغ	- در صورت حضور همه طرفین پرونده و شروع به رسیدگی، امکان تجدید جلسه وجود ندارد و باید رسیدگی در همان جلسه خاتمه یابد. - در پرونده‌ای که دارای متهم اصلی، شریک و معاون است و همه حاضرند، تحقیقات از متهم اصلی شروع می‌شود. - دادگاه مقید به اتهامات مندرج در کیفرخواست است اما مقید به ادله آن نیست و می‌تواند هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد با قید جهت ضرورت انجام دهد.	۳۶۹.م ۳۶۴.م ۳۶۲.م

جدول نحوه رسیدگی غیابی

سرفصل	توضیحات	استنادات
نحوه رسیدگی غیابی	۱- رسیدگی غیابی مستلزم صدور قرار رسیدگی غیابی است.	م. ۳۹۴ ق. آ. د.ك.
	۲- رسیدگی غیابی در همه جرائم (حد، تعزیرات، قصاص، دیه) امکان پذیر است مگر در مورد محکومیت به جرائمی که صرفاً جنبه حق الهی دارند	م. ۴۰۶
	۳- در مورد فرار از خدمت تا زمانی که استمرار آن قطع نشده امکان رسیدگی غیابی وجود ندارد پس در مورد فرارهایی که ابتدا و انتهای آن مشخص است امکان رسیدگی غیابی وجود دارد	م. ۳۰ ق. آ. د.ك.
	۴- رسیدگی غیابی: در صورتی که متهم یا وکیل وی در هیچ يك از جلسات دادگاه حاضر نشوند یا لایحه نفرستاده باشند	م. ۴۰۶ ق. آ. د.ك.
	۵- اگر رأی دادگاه مبنی بر محکومیت باشد قابل واخواهی است	
	۶- مهلت واخواهی ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ واقعی به متهم است	////
	۷- مرجع رسیدگی به واخواهی، همان دادگاه بدوی است	////
	۸- اگر رأی دادگاه تجدیدنظر مبنی بر محکومیت باشد و متهم یا وکیل وی در هیچ يك از جلسات دادگاه بدوی و تجدیدنظر حاضر نبود و لایحه نداده باشند، رأی دادگاه تجدیدنظر غیابی و قابل واخواهی در همان دادگاه است	////
	۹- اگر ابلاغ واقعی انجام شد و ظرف مهلت تقاضای واخواهی نکرد، ظرف بیست روز دیگر مهلت تجدیدنظرخواهی دارد.	////

سرفصل	توضیحات	استنادات
	۱۰- جرائمی که صرفاً جنبه حق الهی دارند را می‌توان به صورت غیابی تبرئه نمود.	////
	۱۱- پس از تقاضای واخواهی، وقت رسیدگی تعیین و اشخاص پرونده را احضار و رسیدگی می‌شود عدم حضور طرفین مانع رسیدگی نیست.	م. ۴۰۷
	۱۲- پس از رسیدگی به ادله و دفاعیات واخواه، دادگاه اتخاذ تصمیم می‌نماید، که این تصمیم یا قرارداد درخواست واخواهی است و یا پذیرش واخواهی و صدور حکم شایسته.	////
	۱۳- واخواهی از آراء کیفری هزینه دادرسی ندارد.	م. ۴۰۶
	۱۴- پس از ابلاغ قانونی رأی غیابی و سپری شدن مهلت واخواهی و تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی، رأی غیابی به اجراء گذاشته می‌شود لکن محکوم علیه ظرف بیست روز از تاریخ اطلاع می‌تواند تقاضای واخواهی نماید که در این صورت اجرای حکم متوقف و متهم تحت الحفظ به دادگاه بدوی اعزام می‌شود.	
	۱۵- رأی غیابی صرفاً نسبت به محکوم علیه (متهم) غیابی است لذا اگر شاکی یا دادستان یا یگان خدمتی نسبت به رأی غیابی اعتراض نمایند، این اعتراض تجدیدنظرخواهی محسوب می‌شود و صرفاً اگر محکوم علیه (متهم) اعتراض کند واخواهی است.	

دادگاه با احراز توبه متهم حکم به سقوط مجازات یا تخفیف مجازات صادر نماید این رأی از سوی دادستان قابل تجدیدنظر یا فرجام خواهی است.

ماده ۴۳۵ ق.آ.د.ک. «دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور فقط نسبت به آنچه مورد تجدیدنظر خواهی یا فرجام خواهی واقع و نسبت به آن رأی صادر شده است، رسیدگی می‌کند.»

نکته ۱۸۰: این ماده از مهمترین مواد در مرحله تجدیدنظر و فرجام است که حدود اختیارات دادگاه تجدیدنظر را مقید به دو شرط می‌نماید: اول: آنچه مورد تجدیدنظر خواهی یا فرجام خواهی واقع شده، ثانيا: آنچه نسبت به آن رأی صادر شده است. ماده اخیر استثنائاتی دارد که در بند ب ماده ۴۵۵ و ماده ۴۵۹ همین قانون آمده است.

فصل چهارم: مقدمات رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان

دادگاه تجدیدنظر قبل شروع به رسیدگی باید پاسخ سؤالات ذیل را از پرونده استخراج نماید:

(الف) آیا دادنامه بدوی قطعی است یا قابل تجدیدنظر خواهی؟ (اگر قانونا دادنامه قطعی باشد دادگاه تجدیدنظر رأی به رد درخواست صادر می‌نماید).

(ب) آیا هزینه تجدیدنظر خواهی پرداخت شده است؟

(ج) آیا متقاضی سمتی در پرونده دارد؟ به عنوان نمونه آیا وکیلی که درخواست تجدیدنظر خواهی نموده، وکالت در این امر دارد؟

(د) آیا تقاضای تجدیدنظر خواهی در مهلت قانونی تقدیم و ثبت شده است؟

(ه) آیا دادنامه بدوی به همه طرفین پرونده و دادستان ابلاغ شده است؟ (به منظور جلوگیری از اعتراضات مکرر به دادنامه بدوی و صدور آراء متهاافت از دادگاه تجدیدنظر)

(و) آیا در رأی بدوی در خصوص موضوع تجدیدنظر خواهی، اتخاذ تصمیم شده

است یا خیر؟ بدیهی است که برابر ماده ۴۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان صرفاً در محدوده رأی بدوی رسیدگی می‌نماید و اگر موضوع مورد نظر تجدیدنظرخواه در رأی بدوی نیامده باشد، دادگاه تجدیدنظر رأی بر رد تقاضای تجدیدنظرخواهی صادر می‌نماید.

اگر پاسخ همه سؤالات فوق مثبت بود، پرونده آماده رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر است والا باید به دادگاه بدوی (جهت رفع نقص و یا صدور قرار رد درخواست تجدیدنظرخواهی) ارسال شود. اگر تجدیدنظرخواه علی‌رغم اخطار قبلی، هزینه تجدیدنظرخواهی را نپردازد و یا مهلت تجدیدنظرخواهی سپری شده باشد، دادگاه بدوی بایستی قرار رد درخواست تجدیدنظرخواهی را صادر نماید و این قرار قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است (مواد ۴۳۲ و ۴۴۰ ق.آ.د.ك.).

دادگاه تجدیدنظر استان در ادامه وارد رسیدگی شده و به شرح ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ك. عمل می‌نماید: «رئیس شعبه، پرونده‌های ارجاعی را بررسی و گزارش جامع آن را تهیه می‌کند و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه تجدیدنظر استان ارجاع می‌دهد. این عضو، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل در خصوص تجدیدنظرخواهی و جهات قانونی آن است، تهیه و در جلسه دادگاه قرائت می‌کند. خلاصه این گزارش در پرونده درج می‌شود و سپس دادگاه به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌نماید:

الف- در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می‌کند و پرونده را نزد دادرشای صادرکننده کیفرخواست یا دادگاه صادرکننده رأی می‌فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه تجدیدنظر استان، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند و یا دادگاه تجدیدنظر می‌تواند خود مبادرت به انجام تحقیقات نماید.

ب- هرگاه رأی صادره از نوع قرار باشد و تحقیقات یا اقدامات دیگر ضروری نباشد و قرار مطابق مقررات صادر شده باشد، آن را تأیید و پرونده به دادگاه صادر

کننده قرار اعاده می شود و چنانچه به هر علت دادگاه تجدیدنظر عقیده به نقض داشته باشد، پرونده برای رسیدگی به دادگاه صادرکننده قرار اعاده میشود و آن دادگاه، مکلف است خارج از نوبت رسیدگی کند.

پ- هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی ندارد صادر شود، دادگاه تجدیدنظر استان، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال و مراتب را به دادگاه صادرکننده رأی اعلام می کند.

ت- اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی مقتضی صادر می کند.

ث- در غیر از موارد مذکور در بندهای فوق، هرگاه جرم از جرائم مستوجب مجازات های حدود، قصاص و جرائم غیر عمدی مستوجب بیش از نصف دیه و یا جرائم تعزیری درجه چهار و پنج باشد به طور مطلق و در جرائم تعزیری درجه شش و هفت در صورت محکومیت به حبس و در سایر جرائم در صورت اقتضا، دادگاه تجدیدنظر با صدور دستور تعیین وقت رسیدگی، طرفین و اشخاصی را که حضورشان ضروری است احضار می کند. طرفین می توانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل معرفی کنند. در هر حال عدم حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نیست.»

از ماده قانونی فوق چند نکته قابل استخراج است:

نکته ۱۸۱: اولین گام در رسیدگی دادگاه تجدیدنظر، تهیه گزارشی جامع از پرونده توسط رئیس یا مستشار دادگاه است. این گزارش حاوی جریان پرونده، بررسی کامل در خصوص تجدیدنظرخواهی و جهات قانونی آن است.

نکته ۱۸۲: گام دوم تشکیل جلسه فوق العاده دادگاه است جهت استماع گزارش فوق و اتخاذ تصمیم به شرح بندهای ماده قانونی فوق الذکر.

نکته ۱۸۳: در جلسه مقدماتی فوق ممکن است چند تصمیم اتخاذ شود: الف) صدور قرار رفع نقص، ب) تأیید یا نقض قرار صادره از دادگاه بدوی، ج) نقض دادنامه بدوی و صدور قرار عدم صلاحیت، د) صدور قرار منع یا موقوفی پیگرد، ه) تأیید یا نقض دادنامه بدوی، و) صدور دستور تشکیل جلسه دادرسی و احضار طرفین و نماینده دادستان.

نکته ۱۸۴: در پرونده‌هایی با عناوین اتهامی ذیل، امکان تأیید یا نقض دادنامه بدوی، بدون تشکیل جلسه دادرسی وجود ندارد: الف) جرائم مستوجب مجازات های حدود، ب) جرائم مستوجب قصاص نفس یا عضو، ج) جرائم غیر عمدی مستوجب بیش از نصف دیه، د) جرائم تعزیری درجه چهار و پنج به طور مطلق، ه) جرائم تعزیری درجه شش و هفت در صورت محکومیت به حبس.

نکته ۱۸۵: در پرونده‌هایی با عناوین اتهامی ذیل، امکان تأیید یا نقض دادنامه بدوی، بدون تشکیل جلسه دادرسی وجود دارد: الف) جنایات غیر عمدی با میزان کمتر از نصف دیه کامل، ب) جرائم درجات شش و هفت در صورتی که نوع محکومیت حبس نباشد. ج) سایر پرونده‌هایی که مشمول بند ۴ فوق اشاره نباشند از قبیل تجدیدنظرخواهی از آراء صادره راجع به اعسار از پرداخت محکوم به.

نکته ۱۸۶: بند ث این ماده، در عمل موجب اطاله دادرسی در دادگاههای تجدیدنظر گردیده است و عملادر مورد پرونده‌هایی که رسیدگی به آنها مستلزم تشکیل جلسه دادرسی است با توجه به سیاست حبس محور قوانین فعلی، صف رسیدگی طولانی وجود دارد. به نظر می‌رسد که مقنن در آینده نزدیک چاره‌ای جز اصلاح این بند نخواهد داشت.

جدول مقدمات رسیدگی دادگاه تجدیدنظر

سرفصل	توضیحات	استنادات
الف) مقدمات رسیدگی	۱- آیا هزینه تجدیدنظرخواهی پرداخت شده است؟	م. ۴۳۶ ق. آ. د. ک. م. ۴۳۱
	۲- آیا تقاضای تجدیدنظرخواهی در مهلت قانونی تقدیم شده است؟	م. ۴۲۷ م. ۴۳۰
	۳- آیا دادنامه بدوی قانوناً قابل تجدیدنظرخواهی است یا خیر؟	م. ۴۲۶
	۴- آیا معترض حق تجدیدنظرخواهی خود را ساقط نکرده است؟	
	۵- آیا موضوع در صلاحیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر است یا دیوانعالی کشور؟	
	۶- آیا ابلاغ به درستی به همه طرفین پرونده انجام شده است؟	
	۷- در صورت تجدیدنظرخواهی از سوی وکیل، آیا وی اختیار تجدیدنظرخواهی را دارد؟	

۴۳۴.م //// ////	۸- ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارك استنادی.	ب) جهات تجدیدنظرخواهی
////	۹- ادعای مخالف بودن رأی با قانون.	
////	۱۰- ادعای عدم صلاحیت دادگاه	
۶۳۸.م	صادر کننده رأی یا وجود یکی از جهات رد دادرسی.	
۴۵۷.م ۱۱۹.ق.م.ا.	۱۱- ادعای عدم توجه دادگاه به ادله ابرازی.	
تبصره ۴۵۵	۱۲- قابل اجرا نبودن مجازات مندرج در حکم به لحاظ وضعیت خدمتی محکوم علیه.	
	۱۳- تقاضای تخفیف یا تشدید مجازات یا اصلاح دادنامه بدوی	
	۱۴- تجدیدنظرخواهی دادستان در مورد سقوط مجازات یا تخفیف به لحاظ توبه‌ی متهم.	
	۱۵- عدم رعایت تشریفات مهم دادرسی.	

م. ۴۵۰ //// //// بند ۴۵۰ م.	۱۶- اگر دادگاه بدوی تشریفات مربوط به تجدیدنظرخواهی را رعایت نکرده پرونده اعاده می شود. ۱۷- تهیه گزارش جامع پرونده توسط رئیس یا یکی از مستشاران با ارجاع رئیس دادگاه. ۱۸- محتویات گزارش فوق: جریان پرونده، بررسی کامل در خصوص تجدیدنظرخواهی و جهات قانونی آن. ۱۹- در صورت ناقص بودن تحقیقات، پرونده به دادگاه بدوی یا دادسرا جهت رفع نقص ارسال می شود یا خود دادگاه رفع نقص می کند. ۲۰- اگر نیاز به تشکیل جلسه دادرسی باشد دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار طرفین و نماینده دادستان صادر می شود.	ج) اقدامات دادگاه
بند ۴۵۰ ماده	۲۱- حدود و قصاص. ۲۲- جرایم غیر عمدی مستوجب بیش از نصف دیه کامل انسان. ۲۳- جرایم تعزیری درجه ۴ و ۵. ۲۴- جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ در صورت محکومیت به حبس. ۲۵- سایر جرایم به تشخیص دادگاه.	د) جرایمی که نیاز به تشکیل جلسه دادرسی است.

جدول نحوه رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر

سرفصل	توضیحات	استنادات
الف) مواردی که نیاز به تشکیل جلسه اداری نیست	۱- صدور قرار رفع نقص ۲- صدور قرار عدم صلاحیت (ضمن نقض حکم بدوی) ۳- در مورد قرارهای نهایی، تأیید یا نقض قرار نهایی ۴- صدور رأی برائت در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی (فقد عنصر قانونی) ۵- صدور قرار موقوفی پیگرد در صورت شمول عفو یا گذشت شاکی یا... ۶- قرار رد درخواست یا ابطال دادخواست تجدیدنظرخواهی ۷- آراء برائت و غیر حبس جرائم ۷ و ۸، اعسار، ... ۸- قرار رد درخواست در صورتی که تجدیدنظرخواهی در خارج از مهلت باشد یا دادنامه قابل اعتراض نباشد. ۹- رسیدگی به تجدیدنظرخواهی از قرار رد تجدیدنظرخواهی دادگاه بدوی ۱۰ - رسیدگی به تقاضای تجميع احکام صادره با رعایت قواعد تعدد	مستنبط از بند ث ماده ۴۵۰ ق.آ.د.ك.

ماده ۴۵۱ ق.آ.د.ك.	۱- رعایت بندهای ۶ الی ۱۳ از پیوست شماره ۲ ۲- بدواً قرائت گزارش پرونده تحقیقات و اقدامات انجام شده توسط یکی از قضات دادگاه ۳- طرح سوالات لازم از تجدیدنظرخواه در مورد علت تجدیدنظرخواهی ۴- استماع پاسخ تجدیدنظرخوانده ۵- تفهیم اتهام به متهم (تجدیدنظرخواه یا تجدیدنظرخوانده) ۶- عنداللزوم کسب اطلاع از شهود و مطلعان ۷- اظهار عقیده دادستان یا نماینده وی ۸- استماع مجدد اظهارات شاکی (وکیل وی) ۹- اخذ آخرین دفاع متهم یا وکلای آنان	ب) مواردی که نیاز به تشکیل جلسه است
ماده ۴۵۵ ق.آ.د.ك.	۱- تأیید دادنامه بدوی و اعاده پرونده به دادگاه بدوی ۲- صدور قرار موقوفی پیگرد یا رأی براءت ۳- نقض رأی بدوی در صورتی که مخالف قانون باشد، همراه با صدور دادنامه ماهیتی ۴- صدور رأی اصلاحی همراه با تأیید حکم بدوی ۵- تأیید حکم بدوی همراه با تخفیف در مجازات ۶- اصلاح حکم دادگاه تجدیدنظر	ج) صدور دادنامه

قربان دارد چرا که فلسفه وضع هر دو ماده رعایت شأن و جایگاه فرماندهان نیروهای مسلح و عدم رسیدگی به اتهامات آنان در محل خدمتشان است. در جمع بندی ماده اخیر می توان گفت: ۱- جرایم افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و یا دارای درجه سرتیپ دومی شاغل در محل های سرلشکری و یا فرماندهی تیپ مستقل، در حدود صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، در صلاحیت محاکم نظامی تهران است. احضار و جلب این اشخاص برابر تبصره ۱ ماده ۶۱۵ ق. آ. د. ک. تشریفاتی دارد که مجوز تعقیب، احضار و جلب آنان از طریق دفتر تحقیقات ویژه سازمان قضایی از دفتر نظامی فرماندهی کل قوا باید اخذ شود. ۲- جرایم نظامیان دارای درجه سرتیپ دوم (فاقد شرایط بند اول) در صلاحیت دادسراها و محاکم نظامی مراکز استان ها است. ۳- رسیدگی به جرایم نظامیان دارای درجه سرهنگی که در در جایگاه فرماندهی تیپ مستقل هستند نیز در صلاحیت دادسراها و محاکم نظامی مراکز استان ها است.

ج) صلاحیت های اضافی:

صلاحیت های اضافی محاکم نظامی به شرح ذیل احصاء می گردد:

۱- رسیدگی به جرائم مأذون :

تبصره ۱ ماده ۵۹۷ ق. آ. د. ک. «رسیدگی به جرائمی که امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اجازه فرموده اند در دادگاه ها و دادسراهای سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی شود، مادامی که از آن عدول نشده در صلاحیت این سازمان است.»

نکته ۲۰۳: مقصود از جرائم فوق دو دسته از جرائم هستند: الف) جرائم کارکنان وزارت اطلاعات در ارتباط با تخلف از وظایف قانونی و همچنین مواردی که پرونده پرسنل فوق مشتمل بر اطلاعات طبقه بندی شده باشد (تشخیص این موارد در صلاحیت ریاست محترم سازمان قضایی ج. ا. ا. یا معاونان ایشان است که پس از تشخیص موضوع، دادسراها و دادگاه های نظامی صالح وارد رسیدگی می شوند).

ب) جرائم امنیتی و حین خدمت نیروهای مسلح^۱.

۲- رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان نظامی

ماده ۵۹۹ ق.آ.د.ک. «به جرائم نظامیان کمتر از هجده سال تمام شمسی که در صلاحیت سازمان قضایی است با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.»

نکته ۲۰۴: این ماده استثنایی بر صلاحیت دادگاه‌های اطفال (موضوع مواد ۳۰۴ و ۳۱۲ ق.آ.د.ک.) است که به اختلاف نظرها در این زمینه خاتمه داده است. بدیهی است که جرایم اطفال نظامی تا ۱۵ سال تمام در صلاحیت مستقیم دادگاه‌های نظامی و جرائم نوجوانان نظامی ۱۶ تا ۱۸ سال بدوا در دادسراهای نظامی مورد بررسی قرار می‌گیرند

نکته ۲۰۵: اگر نوجوانی مرتکب پرداخت رشوه به فرد نظامی شود، با توجه به تصریح تبصره ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک. امکان رسیدگی به اتهام پرداخت رشوه راشی در دادگاه نظامی وجود نداشته و بایستی در خصوص اتهام پرداخت رشوه قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه اطفال و نوجوانان صادر نمود. لکن در مورد مرجع رسیدگی کننده به اتهام مرتشی ابهام وجود دارد. از یک سو اگر تبصره ماده ۳۱۲ ق.آ.د.ک. اتخاذ تصمیم شود باید در خصوص اتهام مرتشی هم قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه اطفال و نوجوانان صادر شود. از سوی دیگر رسیدگی به جرایم نظامیان از صلاحیت ذاتی دادگاه اطفال خارج است. مضاف بر اینکه تفکیک پرونده راشی و مرتشی نیز از نظر مبنایی (به عنوان جرایم لازم و ملزوم) نیز صحیح نیست.

۱ - برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به کتاب: آیین دادرسی کیفری، محمد مصدق، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳، صص ۸۸ و ۸۹

۳- رسیدگی به جرائمی که حین تحقیقات و رسیدگی کشف می شود:

ماده ۱ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاههای نظامی کشور: «هرگاه در حین تحقیقات و رسیدگی به جرایم خاص نظامی یا انتظامی، جرایم دیگری کشف شود، سازمان قضایی نیروهای مسلح مجاز به رسیدگی می باشد.»

نکته ۲۰۶: بدیهی است که منظور از سایر جرایمی که حین تحقیقات یا رسیدگی کشف می شوند، جرایمی است که رسیدگی به آنها اصالتاً در صلاحیت سازمان قضایی نیست که ممکن است این جرم توسط خود متهم ارتکاب یافته باشد و یا اینکه توسط متهمان دیگری ارتکاب یافته باشد لکن مرتبط با موضوع پرونده تحت رسیدگی باشد نمونه بارز این جرایم می تواند پرداخت رشوه (رشاء) و یا خریداری اموال مختلصه از نیروهای مسلح باشد.

اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب نظریه شماره ۷/۴۹۷۶ مورخ ۸۸/۸/۱۱ اعلام نموده: «عبارت جرایم دیگر در سطر دوم ماده ۱ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاههای نظامی کشور آمده، عام و مطلق است و تمام جرایم مکشوفه در حین رسیدگی که متهم به تنهایی یا به اتفاق فرد یا افراد دیگر مرتکب آن شده یا در ارتباط با موضوع مطروحه توسط افراد دیگر (غیر از متهم) به وقوع پیوسته است را شامل می شود.»

نکته ۲۰۷: منظور مقنن از عبارت «سازمان قضایی نیروهای مسلح مجاز به رسیدگی می باشد.» در انتهای ماده اخیرالذکر، ایجاد صلاحیت برای دادرها و محاکم نظامی بوده و بدیهی است مقررات مربوط به صلاحیت از قواعد آمره بوده و تخیر در آن پذیرفته نیست.

۴- رسیدگی به جرائم اسرای جنگی ایرانی و غیر ایرانی

ماده ۲ قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاههای نظامی کشور: «جرایمی که اسرای ایرانی عضو نیروهای مسلح، در مدت اسارت مرتکب شده اند، و نیز جرایم

اسرای بیگانه در مدت اسارتشان در کشور، در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود.»

بر مبنای ماده فوق‌الذکر رسیدگی به کلیه جرایم اسرای ایرانی نظامی (که در خارج از کشور ارتکاب یافته) و کلیه جرایم اسرای کشورهای بیگانه (اعم از نظامی و غیرنظامی) در مدت اسارتشان در خاک ج.ا.ا. در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی می‌شود.

۵- رسیدگی به برخی جرائم خاص مأموران یگان حفاظت دستگاههای اجرایی :

به موجب ماده ۳۵ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور (مصوب ۹۵/۱۱/۱۰): «دستگاههای اجرایی در صورت نیاز به یگان حفاظت مکلفند پس از کسب موافقت و مجوز ستاد کل نیروهای مسلح نسبت به تشکیل یگان‌های حفاظت اقدام کنند. این یگانها از نظر به کارگیری سلاح و مهمات تابع ضوابط نیروهای مسلح می‌باشند و با رعایت ضوابط نیروی انتظامی تحت نظر بالاترین مقام دستگاه ذی ربط اداره می‌شوند. تبصره. دستورالعمل نحوه تشکیل یگانهای حفاظت شامل اختیارات، حدود وظایف، چگونگی ساماندهی، تسلیح، آموزش، انتصاب فرماندهان، ارتباط با نیروی انتظامی و نظارت بر عملکرد آنها به تصویب ستاد کل نیروهای مسلح می‌رسد.»

دستورالعمل موضوع تبصره اخیرالذکر در تاریخ ۹۶/۱۲/۱۴ مشتمل بر ۲۱ ماده به تصویب فرماندهی معظم کل قوا رسیده است و در بند ۴ ماده ۱۰ آن آمده است: «رسیدگی به جرائم کارکنان یگان (به جز کارکنان مأمور از نیروهای مسلح) برابر قوانین جاری کشور بوده و در صورتی که در راستای وظایف انتظامی، حفاظتی و بکارگیری سلاح و مهمات باشد، تابع ضوابط نیروهای مسلح و در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌باشد.»

نمی‌کرد، تلف به وجود نمی‌آمد.^۱

ماده ۱۵ ق.آ.د.ک. «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.»

ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲: «مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است، اگر موجود باشد عین آن را و اگر موجود نباشد مثل آن را و در صورت عدم امکان رد مثل، قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید. هرگاه از حیث جزائی وجهی برعهده مجرم تعلق گیرد، استرداد اموال یا تأدیه خسارت مدعیان خصوصی بر آن مقدم است.»

نکته ۲۸۳: منظور از رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی عبارتند از: ۱- تنظیم و تقدیم دادخواست مطابق شرایط مقرر در مواد ۵۱ و ۵۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، ۲- پرداخت هزینه‌های دادرسی (مواد ۶۱ تا ۶۳ و ۵۰۲ و ۵۰۳ قانون اخیر)، ۳- رفع نواقص دادخواست (مواد ۵۳ تا ۵۶ و ۶۶ قانون اخیر)، ۴- تعیین وقت دادرسی و ابلاغ آن به طرفین (ماده ۶۴ قانون اخیر)، ۴- ابلاغ نسخه‌ای از دادخواست و ضمائم به خوانده توسط دادگاه (ماده ۶۷ قانون اخیر)، ۵- تشکیل جلسه دادرسی و استماع ادعای خواهان (مواد ۹۳ تا ۱۰۴ قانون اخیر)، ۶- ارائه اصل اسناد توسط خواهان به دادگاه جهت تطبیق با رونوشت‌های تقدیمی (ماده ۹۶ قانون اخیر)، ۷- استماع دفاعیات خوانده و رؤیت اصل مدارک وی (مواد ۹۶ و ۹۷ قانون اخیر)، ۸- اعلام ختم دادرسی و صدور رأی (مواد ۲۹۵ و ۲۹۶ قانون اخیر).

۱ - محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، نشر میزان، چاپ هفتم، پاییز ۸۳، ص ۳۱.

نکته ۲۸۴: گرچه از سبک نگارش ماده ۱۵ و ۵۷۶ ق.آ.د.ك. چنین برمی آید که شاکی در همه جرائمی که خسارتی دیده، برای مطالبه آن باید دادخواست ضرر و زیان تقدیم نماید و اگر دادخواست ندهد دادگاه تکلیفی در مورد جبران خسارات وارده ندارد؛ لکن باید دقت نمود که برخلاف ظاهراین مواد، برخی جرائم هستند که جبران خسارت یا رد مال جزء مجازات های قانونی آن جرم است. مثلاً در مورد سرقت، برای رد مال مسروقه نیازی به تقدیم دادخواست نیست (ماده ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵) و یا در مورد کلاهبرداری، رد مال جزء مجازات های کلاهبردار است (ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری)، همچنین است جرایمی چون تحصیل مال به طریق نامشروع (ماده ۲ قانون اخیرالذکر)، ارتشاء و اختلاس (مواد ۱۱۸ و ۱۱۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح). ن.

اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب نظریه شماره ۷/۹۵/۱۸۶۵ مورخ ۹۵/۸/۸ در این خصوص اعلام داشته: «حکم به رد عین یا مثل یا قیمت مال بدون تقدیم دادخواست و در ضمن صدور رأی کیفری فقط در مواردی مجاز است که در قانون تصریح شده باشد زیرا اصل بر لزوم طرح دعوای حقوقی و تقدیم دادخواست است لکن در جرایمی مانند سرقت و کلاهبرداری و اختلاس که قانونگذار تصریح به رد مال کرده است دادگاه کیفری ضمن حکم به مجازات مقرر در قانون، مجاز به صدور حکم به رد مال نیز می باشد و نیازی به تقدیم دادخواست نیست.»

نکته ۲۸۵: مهلت تقدیم دادخواست مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم از زمان ورود پرونده به دادگاه کیفری تا قبل از اعلام ختم دادرسی این دادگاه است و به نظر می رسد با توجه به تصریح ماده ۱۵ ق.آ.د.ك. خواهان نمی تواند دادخواست خود را در مرحله دادرسی تقدیم نماید؛ نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۹۳/۱۰۴۸ مورخ ۹۳/۵/۴ نیز مؤید این برداشت است. ضمناً پس از اعلام ختم دادرسی امکان

دادگاه نظامی باید نماینده یگان را به عنوان شاکی برای حضور در جلسه دادرسی احضار نماید. بدیهی است که اگر دادگاه از نماینده شاکی (یگان) دعوت به عمل نیاورد، یگان در جریان سیر مراحل قانونی دادرسی قرار نمی‌گیرد و عملاً امکان طرح دادخواست در مهلت قانونی را نیز نخواهد داشت. در این صورت اگر شاکی نسبت به دادنامه تقاضای تجدید نظرخواهی نموده و استدلال کند که با عدم رعایت این قسم از تشریفات دادرسی (احضار شاکی برای جلسه دادرسی)، حقوق یگان ضایع شده و از صدور کیفرخواست مطلع نبوده تا بتواند در مهلت قانونی دادخواست تقدیم نماید، ممکن است که دادگاه تجدید نظر برابر مقررات تبصره ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری رأی بدوی را نقض نماید.

نکته ۳۰۵: یگان‌های نظامی از پرداخت هزینه دادرسی در مورد مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم معاف شده‌اند و این معافیت شامل کلیه مراحل دادرسی اعم از بدوی، تجدید نظر و فرجام می‌گردد. البته این معافیت صرفاً ناظر به رسیدگی دادگاه‌های نظامی است و چنانچه بعد از صدور رأی کیفری، یگان اقدام به طرح دادخواست حقوقی در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه حقوقی نماید بایستی مطابق مقررات عمومی هزینه دادرسی را پرداخت نماید. البته باید دقت نمود که یگان‌های نظامی غیر از موضوع ماده ۵۷۵ ق.آ.د.ک. معافیت دیگری از پرداخت هزینه دادرسی در امور کیفری ندارند.

پرسش کاربردی ۵۱: آیا مفاد ماده ۵۷۵ (معافیت یگان‌های نظامی از پرداخت هزینه دادرسی در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم) صرفاً ناظر به طرح دادخواست در محاکم نظامی است یا اینکه چنانچه رسیدگی به جرم در صلاحیت محاکم عمومی باشد (مثلاً مواردی که جرم توسط فرد غیر نظامی تحقق یافته) باز هم پرداخت هزینه دادرسی از سوی نیروهای مسلح منتفی است؟

پاسخ: اداره حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در پاسخ به سؤال مشابهی،

به موجب نظریه شماره ۴/۳۴/۹۹۵۹۸ مورخ ۹۷/۶/۷ اعلام نموده «با عنایت به اطلاق ماده ۵۷۵ ق.آ.د.ک. که به هرگونه ضرر و زیان مادی ناشی از جرم اعم از اینکه در صلاحیت مراجع قضایی عمومی یا نظامی باشد اشاره شده است؛ بنابراین در فرض پرسش، مطالبه ضرر و زیان مادی ناشی از جرم از سوی نیروهای مسلح در مراجع کیفری عمومی نیز منوط به پرداخت هزینه دادرسی نیست.»

بر نظریه فوق این ایراد وارد است که ماده ۵۷۵ در ذیل بخش هشتم ق.آ.د.ک. تحت عنوان آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح آمده و گرچه برابر ماده ۶۴۸ همین قانون هر جا که مقررات خاصی برای دادرسی جرایم نیروهای مسلح پیش بینی نشده، تابع مقررات عمومی آ.د.ک. است، لکن برعکس این موضوع صادق نبوده یعنی اینکه دادگاه‌های کیفری عمومی، در موارد سکوت مواد عمومی ق.آ.د.ک. نمی‌توانند به بخش اختصاصی رسیدگی به جرایم نیروهای مسلح استناد نمایند.

ماده ۵۷۶ ق.آ.د.ک. «رسیدگی به دعوای خصوصی اشخاص حقیقی و حقوقی که به تبع امر کیفری در دادگاه‌های نظامی مطرح می‌شود، مستلزم تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.»

نکته ۳۰۶: یکی از تشریفات آیین دادرسی مدنی، پرداخت هزینه‌های دادرسی است. هزینه دادرسی به مفهوم اعم شامل چهار قسمت به شرح زیر می‌گردد: مورد اول: بهای ورقه دادخواست...، مورد دوم: هزینه دادخواست...، مورد سوم: هزینه تطبیق اوراق...، مورد چهارم: هزینه دادرسی به مفهوم اخص کلمه؛ نحوه محاسبه این هزینه که هزینه احکام و قرارها تلقی می‌شود با توجه به اینکه دعوا غیرمالی یا مالی باشد متفاوت است.^۱

از همین انتشارات

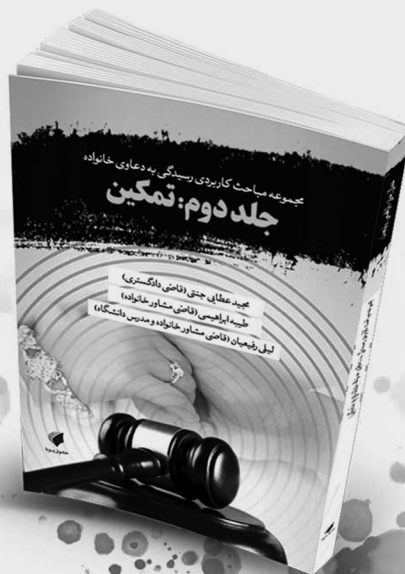




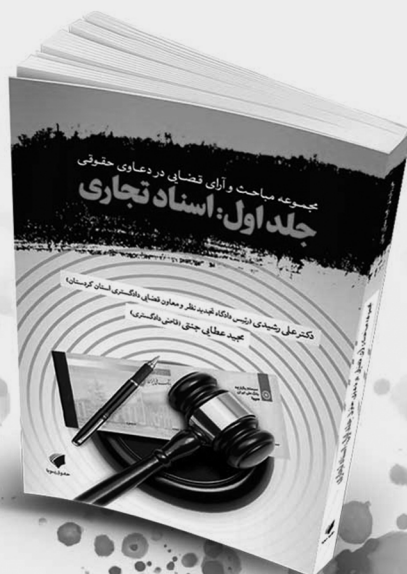
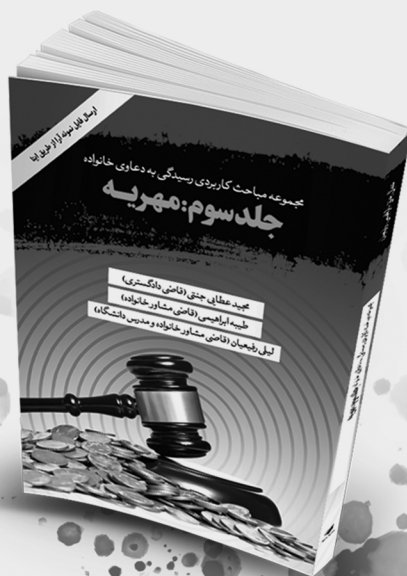
از همین انتشارات



از همین انتشارات



از همین انتشارات



از همین انتشارات



از همین انتشارات



انتشارات حقوق پویا

Hoghoghe Pouya Publishing



با ما در تماس باشید : ۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴

آموزش تصویری

سیستم C.M.S

ویژه کارمندان دادگستری

مجید عطایی جنتی

حسین امینی

سعید اسدی



پرفروش ترین کتاب های ما

از فروشگاه آنلاین اینترنتی ما
خرید کنید و ۱۰٪ تخفیف بگیرید!



www.hpbook.ir

فروشگاه آنلاین اینترنتی انتشارات حقوق پویا